



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۷۲

جمعه ۱۵ مرداد ۱۳۹۵، ۵ اوت ۲۰۱۶

کارگران ایران ترانسفو

به اعتصاب و تظاهرات ادامه میدهند

جمهوری اسلامی به حربه اخراج و دستگیری متوسل شده است

صفحه ۱۰

مبانی مبارزه کمونیستی با تروریسم اسلامی

مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

دور تازه ای از تشتت و بحران

کاظم نیکخواه

صفحه ۳

باید به مقابله متحدانه تر

با جنبش سرکوبگر اسلامی پرداخت

مصاحبه نسان نودینیان با مینا احدی

صفحه ۴

از ما میپرسند:

شما چرا با فدرالیسم مخالفید؟



حمید تقوایی پاسخ می دهد:

صفحه ۹

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

اعدام دسته جمعی در رجائی شهر و
ضرورت دفاع از آزادی عقیده

جعفر عظیم زاده در دادرسی مجدد
باید تبرئه وی قید شرط آزاد شود!

فساد الکترونیک!

وقاحت هم حدی دارد!

صفحه ۵

مسکن مناسب حق مسلم ماست

کارگران شرکت واحد

و خانواده های شان

دست به تجمع زدند

صفحه ۸

اعتصاب ۴۰۰۰ کارگر ایران ترانسفو وارد

دهمین روز خود شد

صفحه ۱۰

مردم چابهار به حمایت از دستفروشان

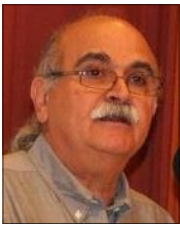
برخواستند

حمایت از دستفروشان را سراسری کنیم

صفحه ۳

مبانی مبارزه کمونیستی با تروریسم اسلامی

مصاحبه با حمید تقوایی



انترناسیونال: در سال گذشته کشورهای مختلف اروپا و آمریکای شمالی از فرانسه و دانمارک و آلمان تا آمریکا و بلژیک صحنه جنایات فجیع داعش و برخی جریانات اسلامی دیگر بوده است و در ماههای اخیر این جنایات سرعت گرفته است. فضای شورانگیزی که در دفاع از پناهجویان در کشورهای مختلف شکل گرفته بود، جای خود را به نگرانی مردم از تروریسم اسلامی و بعضاً رشد راسیسم داده است. اولین سوال که مطرح میشود اینست که سیاست دولت های غربی در مقابل تروریسم اسلامی در خود غرب چقدر کارایی دارد؟

حمید تقوایی: سیاست دول غربی در مقابل با اسلام سیاسی کارائی ندارد قبل از هر چیز باین دلیل که برای مقابله و نهایتاً به شکست کشاندن تروریسم اسلامی ابتدا باید از آن شناخت درستی داشت. بر خلاف آنچه دولتها و متفکرین و رسانه های بورژوائی مطرح میکنند تروریسم اسلامی يك جنبش مذهبی - عقیدتی نیست، از "هایجک کردن" اسلام بوسیله تروریستهای فاندانمنتالیست نتیجه نشده، به فرهنگ و تعصبات و سبک زندگی "مسلمانان" - بعبارت صحیح تر مردم منسوب به اسلام - هم ربطی ندارد، برتخاصم مردم کشورهای اسلامزده با فرهنگ غربی نیز مبتنی نیست. این نوع نظرات متداول در میان دولتها و نهادها و رسانه های بورژوازی جهانی خود بخشی از صورت مساله است و نه راه حل مساله. آنچه این نظریه ها نادیده میگیرند این واقعیت پایه ای است که تروریسم اسلامی يك جنبش سیاسی است و که در نیازهای امروز بورژوازی بحران زده و بی افق - در غرب و در خاورمیانه - در شرایط پس از جنگ سرد ریشه دارد. قبلاً در نوشته های مختلفی از جمله مصاحبه در مورد تروریسم اسلامی در شرایط امروز و یادداشت

"تروریسم اسلامی و گنبدیگی سرمایه داری عصر ما" که در شماره های اخیر انترناسیونال چاپ شد این خصلت سیاسی تروریسم اسلامی توضیح داده شده است. اینجا تنها لازمست بر این نکته تاکید کنم که بدون شناخت و نقد سیاسی تروریسم اسلامی مقابله با آن ممکن نیست. برخورد دولتها و احزاب و رسانه های بورژوائی به تروریسم اسلامی تنها میتواند موجب رشد و تقویت آن بشود کما اینکه تاکنون چنین بوده است. تا امروز همه ارزیابی ها و موضعگیریهای بورژوائی از تروریسم اسلامی، از میلیتاریسم و تهاجم نظامی پوش پدر و پسر تا دیپلماسی ائتلافی اویاما و از حمله راسیستی به "مسلمانان" و مردم مهاجر از کشورهای اسلامزده تا آوانس دادن به اسلام معتدل و تحمل پست مدرنیستی "فرهنگ اسلامی" و سبک زندگی "جامعه مسلمانان" در جوامع اروپائی، حاصلی بجز گسترش تروریسم در خاورمیانه و شمال آفریقا و در خود کشورهای غربی نداشته است. دولت آمریکا و کل کمپ بازار آزاد نه تنها با بجلو راندن خمینی برای مقابله با "خطر" انقلاب ۵۷ در ایران و شکل دادن به طالبان در برابر نفوذ شوروی در افغانستان اسلام سیاسی را پایه گذاشتند، بلکه در رشد و گسترش آن در سه دهه گذشته مستقیم و غیرمستقیم نقش فعالی داشته اند. باید در مقابل این روند ایستاد و ورق را برگرداند.

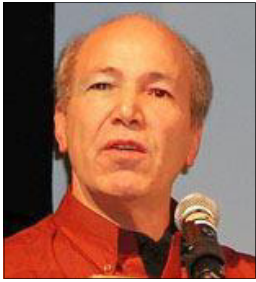
با توجه به آنچه گفتم میزان "کارائی" سیاست دولتهای غربی در قبال تروریسم اسلامی باید روشن باشد. اولاً این دولتها خود موجد و بانی تروریسمی هستند که امروز گریبان خودشان را در آمریکا و فرانسه و آلمان و بلژیک گرفته است. این فقط امری مربوط به گذشته و دوره تهاجم به عراق و افغانستان نیست بلکه سیاستهای همین امروز این دولتها را نیز در بر میگیرد. وقتی داعش تهاجم خودش را در سال

۲۰۱۴ در عراق شروع کرد در ابتدا دولت آمریکا و متحدینش صرفاً نظاره گر بودند. مشخصاً دولت آمریکا دل خوشی از دولت مالکی نداشت و حتی سقوط او را به نفع خود میدید. همچنین تصور میکرد نفوذ داعش باعث تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی در عراق و سوریه و در کل منطقه خواهد شد و از این نظر هم پیشروی داعش در عراق را مثبت ارزیابی میکرد. در سوریه هم تقابل داعش با دولت اسد با اهداف استراتژیک آمریکا منطبق بود. بهمین دلیل عکس العمل دولت آمریکا و سایر دول غربی با جنایت و توحش داعشیه که مردم جهان را شوکه کرده بود، هیچ تناسبی نداشت. حتی در ابتدا گزارشات و تصاویری در مدیای اجتماعی منتشر شد که نشان میداد نیروهای داعش تحت حفاظت نیروی هوائی آمریکا در حال پیشروی هستند. امروز تروریسم داعش به کشورهای غربی نیز بسط یافته است و دولت آمریکا يك بلوك ائتلافی متشکل از دول غربی و دولتهای اسلامی "خوش خیم" در منطقه علیه داعش تشکیل داده است اما حتی همین ائتلاف با دولتها و نیروهای اسلامی "میانه رو" علیه داعش تنها میتواند به تقویت بیشتر جنبش اسلام سیاسی منجر بشود. روشن است که جنبش اسلام سیاسی يك جنبش گسترده است که تنها به تروریسم نوع داعش و القاعده و آنهاً تنها در کشورهای غربی محدود نیست. جمهوری اسلامی، دولتهای قومی - مذهبی در افغانستان و عراق، دولت اسلامی ترکیه، نیروهای اسلامی در سوریه و در شمال آفریقا، و "اسلام معتدل" در خود جوامع غربی اینها همه اجزاء مختلف اسلام سیاسی هستند. بدون جمهوری اسلامی القاعده و داعش شکل نمیگرفتند و بدون تروریستهای اسلامی مسجد سازی و قتلهای ناموسی و حجاب و برقع و مدارس اسلامی در کشورهای غربی چنین رونق نمیگرفت و قوانین و اسلامی از الشبাব و بوکوحرام تا

جبهه النصره و حوثی و شاخه های مختلف القاعده و سلفیون در خاورمیانه و شمال آفریقا و دولتهای قومی مذهبی در عراق و افغانستان و بسط نفوذ جمهوری اسلامی و عربستان و امارات و ترکیه در منطقه منجر شد. داعش بر متن این شرایط سر برآورد اما آخرین بروز این توحش و سیر قهقرائی نیست. این دور تسلسل توحش و جنایت تا زمانی که جنبش اسلام سیاسی، در کلیت خود و در تمامی شاخه ها و اجزاء آن از يك موضع چپ، سکولار و انسانی نقد و طرد نشود ادامه خواهد داشت. این نقد باید اسلام سیاسی را بر بستر و متن واقعی اش، یعنی بحران و فترت و قهقرای بورژوازی جهانی بشناسد و بشناساند و افشا کند. نقد اسلام سیاسی باید در عین حال نقد عقبگرد بورژوازی جهان از مدرنیسم و مدنیت و سکولاریسم و جوامع مدنی باشد. اسلام سیاسی دستپخت سرمایه داری بحرانه عصر ما است و بهمین دلیل نقد سوسیالیستی سرمایه داری جزء لازم و پیش شرط نقد انسانی و رادیکال اسلام سیاسی است.

انترناسیونال: سوال دوم در مورد قطب مردم متمدن و آزادخواه جهان است. این قطب چه باید بکند؟ خطوط يك پلانفرم قاطع و کارساز، که زمینه اجتماعی و عملی داشته باشد و بتواند ریشه جریانات مختلف تروریسم اسلامی را بخشکاند چیست؟

دور تازه ای از تشنت و بحران



رکود و بحران اعتراف کردند. در این همایش حتی از بمب انفجاری بیکاری سخن گفته شد. نمونه ها و شواهد بسیار است.

حرف آخر و اصلی اینکه: ما مردم باید بدانیم و تردید نداشته باشیم که تازمانی که این حکومت سرکار است چیزی جز بیکاری و نا امنی و فقر فزاینده و سرکوب نصیب ما نخواهد بود. این حکومت گویی رسالت تاریخی اش اینست که انتهای تحمل مردم را بیازماید. واقعا تا چه حد میتوان فقر و جنایت و تاجر و تحقیر و سرکوب را تحمل کرد؟ ما مردم سزاوار زندگی ای بهتر و انسانی هستیم.

نباید به حکومت فرصت داد که از این تشنت و بحران هم عبور کند. باید کل حکومت دزدان جنایتکار و کله خشک را با همه جناحهایش هرچه زودتر به زیر کشید. باید تمام تلاش و تمرکز را روی این هدف گذاشت.

میکند. یکی میگوید برجام ذلت بود و دیگری جواب میدهد نخیر عزت بود. یکی میگوید مذاکره سم مهلك است و دیگری میگوید مذاکره منزلت و افتخار است.

طرفداران دولت روحانی تبلیغ میکنند که این بحثها و مخالفت خوانی ها با "برجام" واقعی نیست. بلکه برای اینست که نگذارند سال آینده روحانی به دور دوم برسد. اما این توضیح نیز اتفاقا بیشتر نشان دهنده عمق جنگ و بحران و کشاکشهای جناحی در درون حکومت است که يك اقتصاد دان طرفدار دولت روحانی آنرا بعنوان ریشه و منشاء رکود و بن بست لاینحل اقتصادی نام برده بود. در همایش "چشم انداز اقتصاد ایران در

سال ۹۵" که مقامات دولت روحانی برگزار کردند، یکی از اقتصاددانان اش بنام رنای میگوید "اقتصاد دچار چندین نوع رکود است. اقتصاد ایران طولانی ترین رکود تاریخ خود را تجربه میکند... هیچ راه حل اقتصادی ای برای خلاصی از بن بست وجود ندارد". حتی وزرای خود دولت روحانی نیز به ریشه دار بودن

کشاکشهای درونیش نه فقط تخفیف نمی یابد بلکه تشدید میشود. گفتیم که اقتصاد ایران تحت حکومت اسلامی عمیق تر دچار ورشکستگی و بحران میشود و این بحران تا زمانی که این حکومت سرکار است چشم انداز حل شدن نشان نمیدهد. گفتیم که نباید اسیر جنجالهای تبلیغاتی اصلاح طلبان حکومتی شد که کارگران و مردم را به سیاست انتظار سوق میدهند. جنبش حق طلبی باید فعالتر به میدان بیاید.

اکنون يك سال پس از برجام آیا نمیشود ارزیابی روشنی از این جهتگیرها و بحثها و سیاستها داشت؟ آیا نمیشود دید که اوضاع جمهوری اسلامی به چه سمت سیر کرده است؟

آیا همین جلد روباخ خامنه ای و روحانی اوضاع نزار و در هم ریخته حکومت را بازتاب نمیدهد؟ اینها معلوم است کارشان به جایی رسیده است که دیگر حتی نمیتوانند بنشینند و چشم در چشم یکدیگر بدوزند و بحث و مرافعه کنند. به نحو مسخره ای در سخنرانی های علنی با یکدیگر بحث و جدل

گذاشت همین موضوع هسته ای و مذاکرات است. برخی افراد و جریانات واقعا الاکلنگ شدند. يك بار به این طرف و يك بار به آن طرف چرخیدند. عده ای نبضشان با نبض دولت روحانی و ملی اسلامی ها زد. گفتند بحران حکومت تمام شد. تنشهای حکومت بزودی تمام میشود. بزودی سیل تورسیستها و سرمایه های غربی به سوی ایران سرازیر میشود و بحران اقتصادی تمام میشود.

در این بحث ما بارها و بارها گفتیم و نشان دادیم که سرمایه داری ایران از اواخر حکومت پهلوی تاکنون دچار بحران حاکمیت است. گفتیم حکومت اسلامی زاده بحران سیاسی و اقتصادی است. این حکومت بند نافش را با جنبش اسلامی و ارتجاعی "ضد آمریکائی گری" بسته اند. گفتیم سرمایه داری غربی از این ابزار و شرایط برخوردار نیست که حکومت اسلامی و اقتصاد ایران را از بن بست و بحران نجات دهد. گفتیم با توافق اتمی و برجام جمهوری اسلامی دچار بحران هویت میشود و تنشها و

"مذاکره با آمریکا سمی مهلك است. این را برجام نشان داد" این آخرین سخن خامنه ای است که روز دوشنبه ۱۱ مرداد (اول اوت) بیان کرد. هم او سال گذشته در دفاع از مذاکرات، استراتژی "ترمش قهرمانانه" را رویروی حکومت قرار داده بود. این روزها حمله و نزاع و کشاکش در تمام بالای حکومتی ها ابعاد گسترده ای به خود گرفته است و در تمام رسانه های حکومت قابل مشاهده است.

از زمانی که مذاکرات اتمی جمهوری اسلامی با دولت های غربی آغاز شد، بحثهای زیادی در گرفته است. موضوع آتشی جمهوری اسلامی با غرب" و ارزیابی از نتایج و عواقب مذاکرات، برآستی دماسنج بسیار مهم و جالبی نه فقط برای تحلیل وضعیت جمهوری اسلامی، بلکه برای ارزیابی اپوزیسیون نیز هست. یکی از جاهایی که خیلی خوب میزان نوسان استراتژیک و بی افقی و سطحی گری نظری، و یا همچنین عمق و انسجام و تیزی سیاسی افراد و احزاب سیاسی مختلف را در بوته آزمایش

مردم چابهار به حمایت از دستفروشان برخاستند حمایت از دستفروشان را سراسری کنیم



کار یا بیمه بیکاری حق مسلم مردم است!
دست مزدوران حکومت از زندگی دستفروشان کوتاه!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۳۹۵، ۱ اوت ۲۰۱۶

مقامات شهرداری ها و ارگان های سرکوب حکومت تبدیل شود. از مبارزه دستفروشان و خواست های برحق دستفروشان باید قاطعانه پشتیبانی کرد و همه جا به حمایت از آنها برخاست.

ابوالفضل چراغی پسر ۱۵ ساله علی چراغی نیز که مشغول دستفروشی بود در فروردین ۹۴ مورد هجوم ماموران شهرداری قرار گرفت اما مردم محل به حمایت از او برخاستند و مزدوران را فراری دادند.

مقاومت دستفروشان و حمایت مردم از آنها در مقابل سیاست ضد انسانی دولت بخشی از مبارزه جوانان و کارگران بیکار علیه بیکاری است. جزئی از مبارزه اکثریت مردم زحمتکش علیه فقر و محرومیت اقتصادی است که میتواند با حمایت مردم و با خواست کار یا بیمه بیکاری و پایان دادن به اذیت و آزار آنها به يك عرصه سازمانیافته مبارزه مردم علیه حکومت و

دستفروشان بخشی از نیروی بیکار کشور هستند که نه تنها تحت پوشش بیمه بیکاری نیستند بلکه مرتبا در همه شهرها مورد هجوم ماموران دولت قرار میگیرند و بساط آنها توسط ماموران تخریب میشود و یا به تاراج برده میشود. با گسترش بیکارسازی در موسسات تولیدی و پیوستن میلیون ها نیروی کار جوان به بیکاران، دستفروشی نیز هرروز ابعاد وسیعتری پیدا کرده و مردم هر روز در تهران و سایر شهرها شاهد رفتار سرکوبگرانه و وحشیانه مزدوران حکومت با آنها هستند. قتل علی چراغی در مرداد ۹۳ نمونه ای از وحشیگری مزدوران شهرداری تهران بود. لازم به یادآوری است که

روز چهارشنبه ۶ مرداد لشکری از ماموران و مزدوران شهرداری و نیروی انتظامی به قصد جمع آوری بساط دستفروشان این شهر در مقابل پاساژ اسلامی یورش آوردند. در مقابل تعرض مزدوران شمار زیادی از مردم محل به دفاع از دستفروشان برخاستند و در حمایت از دستفروشان با ماموران حکومت درگیر شدند و جلو جمع کردن بساط دستفروشان را گرفتند. با گسترش تجمع مردم ماموران شهرداری امکان جمع کردن بساط دستفروشان را نیافتند و مجبور به عقب نشینی شدند و از صحنه فرار کردند. این حرکت يك تجربه موفق و مهم است که باید همه جا سرمشق قرار گیرد.

باید به مقابله متحدانه تر با جنبش سرکوبگر اسلامی پرداخت

مصاحبه نسان نویدنیان با مینا احدی



از آنجا و رفتن به جایی امن خواهند بود ولی فعلا ترکیه مانع آمدن آنها میشود و ظاهرا این برای اتحادیه اروپا مفری است که منجر به کنار آمدن با اردوغان شده است.

نسان نویدنیان: عکس العمل

مطبوعات و منتقدین اردوغان به این مسائل چیست؟

مینا احدی: طبعاً دفاع هزاران نفر

از اردوغان و دادن شعار به نفع اعدام و غیره يك واقعه ناخوشایند برای همه بود. مطبوعات سعی میکنند این سوال را در مقابل همه قرار دهند چه خبر است و چرا هزاران نفر که خود در يك کشور دیگر و شرایط دیگری زندگی میکنند به نفع يك حکومت سرکوبگر و ارتجاعی به

خیابان رفته و برای مردم آن کشور شعار دفاع از دیکتاتور سر میدهند. صحبت از انتگراسیون است و رفتار جامعه آلمان با کسانی که از ترکیه به آلمان آمده اند و کارگر مهاجر بودند و ماندگار شده اند و کمکان بسیاری خود را وابسته به ترکیه میدانند و بررسی علل دفاع این مردم از اردوغان و حتی دفاع تعدادی از نسل جوان متولد شده در آلمان و بزرگ شده در اینجا از سیاستهای سرکوبگرانه اردوغان.

اکنون در رسانه ها از جمله صحبت از این هست که دولت آلمان بودجه های سنگینی به احزاب اسلامی و از جمله دیتیب، حزب اسلامی وابسته به دولت ترکیه، میدهد که مردم را ظاهراً در جامعه انتگره کنند و آنها مردم را مسلمان تر میکنند و سازمان میدهند و در این روزها به خیابان می آورند، سیاست همکاری با سازمانهای اسلامی و سیاست مالی کالترالیسم و جلوه دادن زن کشی و قتل ناموسی به عنوان فرهنگ مردم و دادن بودجه به امام ها و تدریس اسلام در مدارس همه در اینجا چهره خود را به جامعه نشان

همچنین سازمانهای نزدیک به پ.ک.ک و یا منتقدین سرشناس سیاستهای اردوغان در آلمان فراخوان اعتراض نداده بودند و بهانه آنها هم جلوگیری از درگیری خیابانی اعلام شد.

فایشیم اردوغانی حتی در اینجا نیز جلوی دهانها را می بندد. گفته میشود به مغازه های تعدادی که علیه اردوغان هستند، حمله شده و فضا بسیار متشنج است.

مردم در آلمان با نگرانی این تشنج را دنبال میکنند و طبعاً سر و صدای دست راستیها و ضد خارجیها بلند شده که دعوی ترکیه را به اینجا نکشید و اگر میخواهید از اردوغان دفاع کنید بروید در ترکیه این کار را بکنید و ..

نسان نویدنیان: يك موضوع

جنبالی در آلمان توافقی است که دولت آلمان و اتحادیه اروپا با اردوغان در مورد پناهندگان کرده و تعهدی که اردوغان داده که مانع حرکت میلیونی پناهندگان به سوی مرزهای اروپا بشود، در این مورد بحثها به کجا رسیده؟

مینا احدی: بله این يك موضوع

مهم در آلمان و در بین رسانه ها است. قبلاً انتقاد از مرکل شده بود که با اردوغان وارد معامله ای شده که همواره ممکنست دولت آلمان مورد فشار قرار گرفته و از جانب دولت ترکیه این توافق به نوعی باج گیری سیاسی تبدیل شود و هم اکنون نیز اردوغان از بهم خوردن توافق حرف میزند و هر بار خواستهایی را مطرح میکند و اروپا نیز برای جلوگیری از حرکت هزاران نفر بسوی مرزهایش اینها را در صدر اخبار مطرح میکند.

واقعیت اینست که مردمی که از جنگ و بدبختی فرار میکنند نمیتوانند سالیان سال در اردوگاههایی با کمترین امکانات زندگی کنند و دیر یا زود به فکر فرار

بسیار فعال باشیم. بنظر میرسد که تاریخ در اینجا تکرار میشود. در شرایط سیاسی دیگری، حزب الهی ها و چماق بدستان طرفدار اردوغان در خیابانهای ترکیه به منتقدین حمله میکنند فضای وحشت ایجاد میکنند و مردمی که در کلن به خیابان رفته و با امید بهبود اوضاع در ترکیه عملاً به نفع سرکوب کنندگان شعار میدهند و همه اینها هم به کمک مسجد و قرآن و اسلام و الله اکبر به پیش برده میشود.

در شهر کلن در روز یکشنبه ۴۰ هزار نفر به طرفداری از اردوغان به خیابان رفتند. این تعداد از شهرهای آلمان، هلند و بلژیک نیز بودند. این را اضافه کنم که؛ قبلاً درخواست شده بود که اردوغان با تصویر از ترکیه برای این جمع سخنرانی کند، دادگاهی در آلمان ایتر ممنوع اعلام کرد. مقامات دولتی در میتینگ بودند و سخنرانی هم کردند.

این ۴۰ هزار نفر را اساساً مساجد و سازمان اسلامی دیتیب که رسماً بازوی دولت ترکیه در آلمان است سازمان داده بود. این نهاد اسلامی در آلمان چند صد مسجد را رهبری میکند و هزاران عضو دارد. صدها امام از ترکیه به آلمان صادر میشود و این نهاد برای همین روزها کار میکند که اگر لازم شد هزاران نفر را در دفاع از حکومت ترکیه و ارتجاع اسلامی به خیابان بیاورد. اتوبوس های متعددی از سراسر آلمان و کشورهای همجوار افراد را به کلن منتقل کردند و در همه جا صلوات فرستاده میشد و در خیابان دسته جمعی شعار الله اکبر میدادند.

در صف مخالفین از ترکیه تعداد کمی آمده بودند، صحبت از ترس از نیروهای اردوغان بود و در رسانه ها افرادی با چهره پوشیده اخطار میدهند که تهدید شده اند و جانشان در آلمان هم در خطر است. البته باید اضافه کنم که سازمان علوی ها در آلمان که منتقد اردوغان هستند، و

کلن علیه دست راستیها" و ما هم در این بخش از تظاهرات شرکت کرده بودیم. البته باید اضافه کنم که نتوانیها و راستیهای شهر به دعوت سازمانی به اسم "پرو کلن" هم در مقابل ایستگاه مرکزی قطار تجمع کرده بودند که در طول روز پلیس تظاهرات آنها را منحل اعلام کرد.

نسان نویدنیان: شعارها چه بود،

و عکس العمل مردم چگونه بود؟

مینا احدی: در بین مخالفین که تعداد آنها حدود ۱۲۰۰ نفر بود، شعارها اساساً به سیاستهای سرکوبگرانه اردوغان از جمله بستن روزنامه های منتقد و دستگیری صدها نفر و شکنجه در زندانها و بویژه علیه مجازات اعدام بود. طبق آخرین آمار تعداد دستگیری ها به ۱۸ هزار نفر رسید.

سازمان جوانان احزاب چپ و سبز، به ما گفتند که از ابتدا توافق کرده اند شعار با خود نیاورند، مبادا باعث اختلاف نظر در بین مخالفین باشد.

من شخصاً فکر میکنم این يك نمونه تیبیک از غیر اجتماعی بودن و غیر جدی بودن نهادهایی است که علیه يك واقعه معین و مهم به خیابان میروند و توافق میکنند فقط پرچم و اسامی احزابشان را با خود حمل کنند. ما با پرچم و شعار حزب کمونیست کارگری ایران و با شعارهایی مربوط به این واقعه رفته بودیم و هر نهادی که چنین کرده بود، طبعاً مورد توجه مطبوعاتی قرار میگرفت که آمده بودند تا ببینند اینها چه میگویند. شعارهای ما علیه سیاستهای اسلامی اردوغان، علیه مجازات اعدام و در دفاع از آزادی عقیده و بیان و برابری زن و مرد بود و علیه شریعه شعار میدادیم. بویژه ما که از ایران هستیم و تجربه قدرت گرفتن جنبش اسلامی در ایران را داریم، میتوانیم در مقابله با اسلامی تر شدن ترکیه

با شکست کودتا در ترکیه، جامعه آلمان شاهد تحرك موافقین و مخالفین دولت اردوغان بود. در آلمان نزدیک به ۵ میلیون نفر شهروندانی ساکن هستند که از ترکیه به آلمان آمده اند. در سه هفته گذشته رسانه و مدیای اجتماعی در آلمان بحث و گفتارهای گسترده ای را پیرامون اوضاع سیاسی در ترکیه، رابطه دولت ترکیه با اتحادیه اروپا و آلمان، مواضع سیاسی شهروندان ترک ساکن آلمان، نسل جوان و رابطه این نسل با ترکیه، راه انداخته اند.

روز یکشنبه ۳۱ ماه جولای هزاران نفر موافق و مخالف اردوغان در شهر کلن در آلمان تظاهرات کردند، در صف مخالفین از طرف حزب کمونیست کارگری ایران و نهاد اکس مسلم هم تعدادی حضور داشتند، در این مورد با مینا احدی مصاحبه ای میکنیم در مورد این میتینگها و تاثیرات آنها و انعکاس این تظاهراتها در جامعه آلمان.

نسان نویدنیان: در ابتدا برای

خوانندگان ما توضیح دهید یکشنبه هفته گذشته در کلن چه خبر بود.

مینا احدی: روز یکشنبه به

دعوت طرفداران سیاست های اردوغان در ترکیه بعد از کودتایی که گفته شد علیه اردوغان در آن کشور سازمان یافته و خیلی زود هم شکست خورد، هزاران نفر به خیابان آمده و با دست داشتن پرچم های ترکیه و شعارهایی که در دفاع از اردوغان و سیاستهای وی بود، در طرف راست رودخانه راین که شهر را به دو قسمت تقسیم میکند، تجمع کردند. در قسمت چپ راین هم به دعوت چند سازمان آلمانی علیه سیاستهای اردوغان تظاهرات شد.

این سازمانها بخش جوانان احزاب سبز و سوسیال دمکرات و چپ بودند و يك سازمان آنتی فاشیست به اسم

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

اعدام دسته جمعی در رجائی شهر و ضرورت دفاع از آزادی عقیده

اعدام دسته جمعی حداقل ۱۸ زندانی منسوب به تسنن در زندان رجائی شهر آخرین نمونه از جنایت و توحش حکومت اسلامی است. مقامات حکومت طبق معمول ادعا میکنند که اعدام شدگان در عملیات های بمب گذاری، ترور و سرقت مسلحانه دست داشته اند. اما بر همه روشن است که این نوع اتهامات و پرونده سازها در مورد همه زندانیان سیاسی - عقیدتی که رژیم قصد اعدام آنها را دارد صورت میگیرد. زندانیان اهل سنت و خانواده هایشان بارها این نوع اتهامات را رد کرده و علت اصلی بازداشت این افراد را باورهای مذهبی آنان و تبلیغ این باورها میدانند. شهرام احمدی یکی از این اعدامی ها است که در گزارش اخیر سازمان ملل نام او بعنوان يك مبلغ مذهبی محکوم به اعدام ذکر شده بود.

واقعیت اینست که در جمهوری اسلامی نه تنها فعالیت سیاسی و دفاع از حقوق پایه ای خود و مبارزه علیه فقر و بی حقوقی شدیدی که حکومت بر جامعه تحمیل کرده است جرم محسوب میشود بلکه هر عقیده متفاوتی از ایدئولوژی رسمی حکومتی و نفس بیان و تبلیغ آن عقیده حتی بدون هیچ نوع نقد و چالش سیاسی حکومت، در سیستم قضائی اسلامی جرم و مستحق

فساد الکترونیک!

"ما شفافیت، رقابت سالم و مبارزه با فساد می خواهیم، با رانت ها و با قاچاق باید مبارزه کنیم، شرایط را برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی باید آماده کنیم و با فناوری های نو باید کشور را در مسیر پیشرفت بیشتر قرار دهیم، در آن شرایط هست که شاهد خواهیم بود که با این گونه فسادها مواجه نمی شویم، مدیریت ما اگر يك مدیریت دقیق باشد، دولت ما اگر به سمت يك دولت الکترونیک برود بسیاری از این مفاصل از پیش پای مردم برداشته می شود."

حسن روحانی

هر دم از این باغ بری میرسد! تاکنون دولت سابق و ضعف مدیریت و بی کفایتی مقامات - البته مقامات جناح مخالف - علت فساد معرفی میشد و امروز غیر الکترونیک بودن دولت نیز به این لیست اضافه شده است! اما حکومت اسلامی در دزدی و چپاول الکترونیک کمبودی ندارد. رانت خواری و قاچاق و دزدی و غارت های هزاران میلیاردی و حقوقهای نجومی مقامات و آیت الله ها و سرداران سپاه همه با استفاده از

جعفر عظیم زاده در دادرسی مجدد باید تبرئه و بی قید شرط آزاد شود!

اتهامات امنیتی از پرونده فعالین صنفی بود و حذف این اتهام که مبنای پرونده سازی جمهوری اسلامی علیه همه فعالین و زندانیان سیاسی است از کیفرخواست کذائی دادسرای ساوه اولین شرط تبرئه و آزادی جعفر است. این امر را باید بقدرت اعتراض و مبارزه به مقامات جمهوری اسلامی تحمیل کرد. جنبش و حرکتی که حول بیانیه عظیم زاده - جعفر آغاز شد میتواند و باید با خواست حذف اتهامات امنیتی از پرونده جعفر و پرونده همه زندانیان سیاسی بمیدان بیاید و اجازه ندهد یکبار دیگر جعفر را با اتهامات واهی محکوم و زندانی کنند.

هفته گذشته وکیل جعفر عظیم زاده اعلام کرد که پرونده موکلش به دادسرای عمومی ساوه ارجاع شده است او گفت بزودی از مفاد کیفرخواست دادسرای ساوه مطلع خواهد شد و اظهار امیدواری کرد که "با رسیدگی دقیق مسئولان امر، جعفر عظیم زاده که تنها به علت فعالیت های صنفی متهم شده، به زودی از همه اتهامات وارده تبرئه شود".

تبرئه و آزادی جعفر عظیم زاده منوط به "رسیدگی دقیق مسئولان" نیست، بلکه در گرو اعتراض و اعمال فشار اجتماعی به مقامات و بیدادگاههای اسلامی است. يك خواست پایه ای بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی حذف

وقاحت هم حدی دارد!

مدارس و دانشگاههای فرانسه و ممنوعیت انکار هلوکاست و اعتراض به قوانین قصاص را با این استدلال مشعشع که "اساس قانون اساسی ما بر مبنای اسلام است" از جمله موارد نقض حقوق بشر اروپائیا ذکر میکنند! بهتر از این نمیشد مضمون و محتوای ضد انسانی "حقوق بشر اسلامی" را برملا کرد. در جمهوری اسلامی هزاران نفر بخاطر عدم رعایت حجاب اسلامی بزندان افتاده اند و انسانهای بسیاری بر مبنای قوانین قصاص شلاق خورده اند و نقص عضو شده اند و به زندان و اعدام محکوم شده اند و این جنایات، که آخرین نمونه اش اعدام بیش از هیجده نفر زندانی سیاسی - عقیدتی در زندان رجائی شهر است، همچنان ادامه دارد. این جنایات اسلامی هست اما "حقوق بشر" قلمداد کردن آنها مستلزم يك نوع وقاحت و حماقت آخوندی است که تنها در نزد مقامات جمهوری اسلامی یافت میشود و بس.

در اخبار بود که رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در سخنرانی در مراسم روز "حقوق بشر اسلامی" خواستار باز کردن باب مذاکره در مورد حقوق بشر با اروپا شد. وقاحت هم حدی دارد! بر هر چه نشانی از تمدن و آزادی دارد شمشیر کشیده اند و دم از مذاکره در مورد حقوق بشر میزنند!

شاید دول اروپائی به چنین مذاکره ای علاقمند باشند اما مردم ایران برای پی بردن به معنی واقعی حقوق بشر اسلامی نیازی به این مذاکرات ندارند. بیش از سی سال اعدام و سرکوب و تحمیل شدید ترین بی حقوقی ها و توهین و تحقیر ها به زنان و اعمال آبارتاید جنسی و نقض ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی مفهوم واقعی "حقوق بشر اسلامی" را در برابر چشم همگان قرار داده است. رئیس قوه قضائیه، که قوه قضائیه نام با مسمی تری برای آنست، در همین سخنرانی میگوید "ما در زمینه حقوق بشر مدعی هستیم" و بعد ممنوعیت برقع و حجاب در

مجازات است. جمهوری اسلامی يك حکومت مذهبی ایدئولوژیک است و انگیزه و هدف او از سرکوب عقاید دیگر حفاظت از نظام و سلطه سیاسی خود است اما زندانیانی که بخاطر عقایدشان دستگیر میشوند همه فعال سیاسی نیستند. جرم بسیاری از آنها صرفا اعتقاد به مذهب دیگر و تبلیغ مذهب خود است. اهل تسنن و بهائیان و یهودیها و دراویش، یا بعبارت دقیق تر مردم منسوب به این مذاهب و باورها، بیشترین قربانیان عقیدتی حکومت اسلامی محسوب میشوند.

عمل جنایتکارانه اعدام دسته جمعی در زندان رجائی شهر بار دیگر عمق توحش حکومت مذهبی - ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را برملا میکند و به همگان نشان میدهد که سکولاریسم و جدائی مذهب از دولت اولین شرط آزادی عقیده و حتی آزادی اعتقاد به هر مذهب و یا به هیچ مذهب برای همه شهروندان است. جمهوری اسلامی نه تنها برای آزاد اندیشان و بی مذهبان بلکه برای پیروان مذاهب دیگر نیز جهنمی بیش نیست. برای برخورداری از يك جامعه آزاد و برابر و انسانی در گام اول باید جمهوری اسلامی را بهمراه ایدئولوژی و قوانین و سیستم قضائی جنایتکارانه اش به زیاله دان تاریخ فرستاد.

آخرین تکنولوژی الکترونیک صورت میگیرد. مسله بر سر استفاده از تکنولوژی الکترونیک نیست بلکه فساد مالی گسترده ای است که سرپای این حکومت را در بر گرفته است. امروز جناب روحانی از سر آماده کردن شرایط برای "سرمایه گذاری داخلی و خارجی" به صرافت شفافیت و مبارزه با فساد و رانت و قاچاق و الکترونیک کردن دولت افتاده است اما قربانیان این فساد نه سرمایه گزاران بلکه کارگران و توده مردم رانده شده زیر خط فقر هستند. حقوقهای نجومی آتروبی سکه دستمزدهای يك چهارم خط فقر است. و پائین نگهداشتن دستمزدها يك پیش شرط مهم سرمایه گذاری داخلی و خارجی است. واقعیت آنست که انباشته شدن ثروتها و حقوقهای نجومی در دست يك اقلیت مفتخور و رانده شدن اکثریت عظیم مردم به دره فقر و تنگدستی و بی تامینی اقتصادی يك جزء لازم و لاینجزای نظام سرمایه داری تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. فساد همه جانبه جمهوری اسلامی تنها با سرنگون شدن آن حل خواهد شد!

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

نگاهی به سرتیترهای مهم اخبار در هفته گذشته از فضای پر التهاب اعتراضات گسترده کارگری حکایت دارد. اعتراضاتی که به لحاظ کیفی هر روز قدمی جلوتر می گذارد. از جمله در این اعتراضات خواستههای سراسری کارگری که در واقع خواستههای کل جامعه است هر روز بیشتر به جلو می آید و با اشکال نوینی از سازمانیایی و همبستگی در میان کارگران و نقش خانواده های کارگران در این اعتراضات روبرویم. تجمع کارگران سندیکای شرکت واحد مقابل شهرداری با شعار مسکن مناسب حق مسلم ماست، ادامه اعتراضات پر قدرت کارگران ایران ترانسفو، پایان موقت اعتصاب هجده روزه کارگران کشت و صنعت مهاباد با یک عقب نشینی اولیه از سوی مدیریت و اعتراضات هر روزه در کارخانجات مختلف بیانگر این فضا و این حال و هواست. در این نوشته از نزدیکتر به این سرتیترهای مهم خبری نگاهی می اندازیم و مروری بر آخرین اخبار از کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض داریم.

تجمع کارگران سندیکای واحد با شعار مسکن مناسب حق مسلم ماست

روز ۱۲ مرداد بیش از ۴۰۰ کارگر شرکت واحد که بعضا به همراه خانواده هایشان آمده بودند در مقابل شهرداری تهران جمع شدند و پیگیر معضل مسکن خود شدند. این حرکت با فراخوان قبلی سندیکای واحد و با عنوان جالب "بیایید برای خانه دار شدن متحد شویم" و با اعلام اینکه با لباس های فرم و به همراه خانواده ها جمع خواهند شد، بر پا شد. شعار محوری این حرکت شعار مسکن مناسب حق مسلم ماست، بود. شعاری که خواست بخش عظیم جامعه است و سراسری است و این یک وجه مهم این حرکت بود. جالب است معلمان در اعتراضاتشان از تحصیل رایگان گفتند، معلمان بازنشسته و بازنشستگان صنایع فولاد در تجمع اعتراضی همزمانی

که چندی پیش داشتند، شعار "درمان رایگان حق مسلم ماست" را فریاد زدند، حمایت کنندگان از کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض و در دفاع از جعفر عظیم زاده هنگامیکه او در زندان بود، شعار "کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را دادند و امروز می بینیم که کارگران سندیکای واحد شعار مسکن مناسب حق مسلم ماست را می دهند. و این نشانگر جا باز کردن بیشتر شعارهای سراسری در سطح جامعه است. نکته جالب دیگر حرکت اعتراضی کارگران شرکت واحد، اعتراض آنان به حقوقهای نجومی و بی تأمین مطلق کارگران بود با شعار وعده های دروغین، حقوقهای نجومی بود. و این یک اعتراض اجتماعی است که قبلا نیز معلمان بازنشسته در تجمع اعتراضی شان مقابل مجلس در شعار هایشان ابراز داشتند. این صدای اعتراض کل جامعه است که امروز معترض تر و حق به جانب تر خواهتهای خود را طلب میکند. شعار قابل توجه دیگر در این حرکت اعتراضی، شعار "اعتصاب یادت زه" بود. اشاره کارگران به اعتصاب قلمرومندان در سال ۸۴ بود که براسی نقطه عطفی در جنبش کارگری بود و طنین آن چنان گسترده بود که اخبارش به سطح جهانی کشیده شد.

علاوه بر اینها شعارهای زیر در فضای مقابل شهرداری تهران طنین انداز بود: مدیر بی کفایت نمی خواهیم نمی خواهیم و مدیر خیانت می کند شهردار شهر تهران توجه توجه، کارگران بیدارند از حق کثی بیزارند، قالیباف قالیباف امروز و فردا نکن مشکل ما را حل کن، کارگرا درد دارن مشکل مسکن دارن، خصوصی رو رها کن، فکری به حال ما کن، شهردار تهران ما، بودجه مسکن چه شد؟ و...

اعتراضات گسترده کارگران ایران ترانسفو با ۴۰۰۰ کارگر

یک خبر مهم هفته گذشته اعتصاب ۴۰۰۰ کارگر ایران ترانسفو است. این حرکت اعتراضی در ۴ مرداد شروع شد و راهپیمایی نمادین این کارگران در محوطه شرکت در این

روز، قدرت بزرگ این کارگران را به نمایش گذاشت. اعتراض این کارگران به کوچک سازی کارخانه و در پیش بودن بیکارسازیها و تعرضات بیشتر به زندگی و معیشتشان است و هنوز ادامه دارد. مقامات دولتی که تجربه اعتصاب ۵ هزار کارگر معدن بافق یزد در سال گذشته را دارند که توانست شهری را به حرکت در آورد، فورا به تکاپو افتادند. سعی کردند با شعارهای انحرافی چون ترانسفو به زنجار متعلق است و سر دادن شعارهای الله اکبر و صلوات اعتراض را به انحراف بکشانند و فضای رادیکال اعتراض را قبضه کنند. حتی فراتر از این افرادی کانال تلگرامی کمپین حمایت مردمی از گروه ایران ترانسفو را بست گرفتند و سراسیمه خبر پایان اعتصاب این کارگران را دادند. تا از انعکاس اجتماعی این اعتراضات جلوگیری کنند و جلوی همبستگی با این کارگران را بگیرند. اما آنها از طریق مدیای اجتماعی و صفحه فیس بوکی خود مرتب خبر رسانی کرده، اخبار و گزارشات خبرشان را درج کردند. عکس و فیلم گذاشتند، خبر پایان اعتصاب را تکذیب کردند و بر ادامه مبارزات خود و خواستههایشان تاکید گذاشتند.

بدین ترتیب کارگران ایران ترانسفو هم اکنون با جدال سخت و پرقدرتی اعتراضات خود را جلو میبرند. از جمله روز ۱۳ مرداد، دو نفر از کارگران این کارخانه آقایان رحیمی و نعلبند زنجانی از کارگران با سابقه کارخانه که مسئولیت کمپین جلب حمایت از مبارزات کارگران را بر عهده داشتند، بازداشت شدند که بعدا زیر فشار اعتراض کارگران با وساطت برخی مقامات حکومتی پس از چند ساعت آزاد شدند. اما این کارگران از کار اخراج و حق شرکت آنان در تجمع اعتراضی کارگران سلب شده است. کارگران با شعارهایی چون مومنی، باقری فراری ات میدیم. همکاران محترم اتحاد، اتحاد در برابر این تعرضات ایستاده و با قدرت به مبارزه شان ادامه میدهند.

آنچه در ایران ترانسفو میگذرد یک هشدار است. نظیر این بلوا را ممکن



است در هر کجای دیگر هم بر پا کنند تا جلوی اعتراضات کارگران را بگیرند. میکوشند با الله اکبر گفتن و صلوات سر دادن اعتراض را رنگ حکومتی بزنند، با شعار های قومی در میان کارگران شکاف بیندازند و غیره. راه مقابله با همه این توطئه ها متحد ماندن کارگران بر سر خواستههایشان و منزوی کردن گرایشات راست و نهادهای دست ساز حکومتی است. راه مقابله متکی بودن به مجمع عمومی کارگران و تصمیم گیری جمعی و شرکت وسیع خانواده های کارگران در اعتراضات است. راه مقابله شکل دادن به همبستگی کارگری نظیر کاری است که کارگران ایران ترانسفو تلاش کردند در کانال تلگرامی خود انجام دهند و با اطلاع رسانی از اعتراضات و خواستههایشان کوشیدند همبستگی وسیع جلب کنند. و وقتی هم که توطئه گرانه برای قبضه کردن این کارگران ایران ترانسفو از آن خود را بیرون کشیدند و بر تداوم اعتراضاتشان تاکید گذاشتند. درسهایی این اعتصاب قدرتمند را باید آموخت.

توطئه کارفرما برای خاتمه اعتراضات کارگران کشت و صنعت مهاباد کارگران در تدارک از سرگیری اعتراضاتشان هستند

خبرها ابتدا حاکی از این بود که در پی تجمع ۱۴ روزه اعتصاب کارگران کشت و صنعت مهاباد؛ آنها با یک عقب نشینی اولیه از سوی مدیریت کارگران این کارخانه به اعتصابشان پایان داده اند. اما خبرهای بعدی از این حکایت دارد که نه تنها ۱۴ ماه دستمزد عقب افتاده کارگران پرداخت نشده بلکه حتی جلسه ای که به آنها وعده داده شده بود، تا خواستههایشان

مبانی مبارزه کمونیستی با ...

از صفحه ۲

اردوغان در ترکیه و نقش و جایگاه امروز دولت عربستان سعودی و حتی روی آوری "جامعه مسلمانان" در کشورهای غربی به حجاب و حلال گوشت و قوانین شریعه و "فرهنگ و تمدن خودی" در تحلیل نهائی در چارچوب و پارادایم پست مدرنیسم و نسبییت فرهنگی امکان پذیر شده است. رجعت نیروهای اسلامی به قرآن و قوانین فوق ارتجاعی شریعه و مدل حکومتی صدر اسلام بطور واقعی جزئی از رجعت بورژوازی به سیستم فکری نظری پیشامدرنیسم و قرون وسطائی است. بدون دست شستن بورژوازی از سکولاریسم و ارزشهای یکسان و جهانشمول انسانی و بویژه بدون دست شستن از جوامع مدنی و نفی حقوق شهروندی مستقل از مذهب و قومیت و نژاد افراد و جانشین کردن آن با تئوری جوامع و دولتهای موزائیکی جنبش اسلام سیاسی یا نیمگرفت و به بستر اصلی سیاست رانده نمیشد.

با توجه به این واقعیات روشن است که تاکید ما بر "جهان متمدن" در مقابله با اسلام سیاسی و دول غربی صرفا یک امر تبلیغی - تاکتیکی نیست بلکه تمدن بمعنای دقیق کلمه - بمعنی مدنیت و سکولاریسم و مدرنیسم و جامعه مدنی - را مد نظر داریم. بورژوازی به مدنیت پشت کرده است و اسلام سیاسی حاصل و تبلور و نماد این عقبگرد است.

بر مبنای این ارزیابی از خصلت و هویت سیاسی تروریسم اسلامی میتوان خطوط اصلی یک پلاتفرم کمونیستی در مقابله با اسلام سیاسی را چنین برشمرد:

- نقد و افشای تروریسم اسلامی بعنوان یک جنبش سیاسی که در بحران و استیصال و بی افقی بورژوازی جهانی در غرب و در شرق ریشه دارد.

- نقد اسلام "میانه رو" و "افراطی" بعنوان شاخه های مختلف جنبش اسلام سیاسی. افشای سیاستهای سازشکارانه دولتهای غربی در قبال دولتها و نیروهای اسلامی "میانه رو" در غرب و در خاورمیانه.

- نقد تروریسم اسلامی علیه مردم در کشورهای اسلامزده. نقد این نظریه و سیاست دولتها و رسانه های بورژوائی که تروریسم را صرفا در

عملیات تروریستی علیه مردم کشورهای غربی محدود میکند.

- نقد پست مدرنیسم و نسبییت فرهنگی بعنوان نظریه و فلسفه سیاسی - اجتماعی ای که هویت و فرهنگ جهانشمول انسانی را نفی میکند و بجای جوامع یکپارچه متشکل از شهروندان مستوای الحقوق، جوامع تقسیم شده به زیر بخشها و موزائیکهای مذهبی - ملی - قومی - نژادی را قرار میدهد. نقد و مقابله با نسبییت فرهنگی بعنوان نظریه ای که حجاب و برقه و قتلتهای ناموسی و قوانین ضد انسانی شریعه را بخشی از فرهنگ و سبک زندگی مردم مسلمان قلمداد میکند.

- تقویت و دامن زدن به یک جنبش سکولاریستی ضد مذهبی در کشورهای اسلامزده. این جنبش سالهاست در ایران فعال است و در سالهای اخیر در عراق و افغانستان و کردستان سوریه نیز شکل گرفته و برآمدهای امیدبخشی داشته است.

- مقابله با قوانین و دادگاههای اسلامی در جوامع غربی و مداخلات دولتها با قتلتهای ناموسی و مسجد سازی و مدارس اسلامی. یک نمونه موفق این جنبش مبارزه فعال با سیاست دولت کانادا برای برسمیت شناسی دادگاههای شریعه در استان انتاریو در سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ بود. این سیاست بدنبال کمپین موفق هما ارجمند کادر حزب در آن مقطع و تشکیلات حزب در کانادا به شکست انجامید و دولت

استان انتاریو ناگزیر شد رسماً این سیاست را کنار بگذارد. نمونه دیگر جنبشی است که در انگلستان به همت مریم نمازی علیه قوانین شریعه شکل گرفته و تا کنون دستاوردهای قابل توجهی داشته است. جنبش اکس مسلم نیز که در کشورهای اروپائی و برخی کشورهای منطقه به مقابله با

اسلامیسم برخاسته است یک نمونه موفق دیگر از فعالیتهای کادرهای حزب در خارج کشور است. این نوع حرکتها و کمپین ها باید بسط پیدا کند و بخصوص باید تلاش کرد بخش هر چه وسیعتری از فعالین چپ و سکولار و آته نیست در این حرکتها دخیل بشوند.

- مقابله با راسیسم و خارجی ستیزی و مهاجر ستیزی راسیستی

در کشورهای غربی. نقد و افشای نظر و دیدگاهی که به بهانه مقابله با تروریسم مردم گریخته از کشورهای اسلامزده و مهاجرین "مسلمان" را مورد تهاجم قرار میدهد.

- جلب حمایت جهانی از مبارزات توده مردم در کشورهای اسلامزده و نظیر ایران و عراق و افغانستان و تونس و کردستان سوریه و سایر کشورها علیه دولتها و نیروهای اسلامی.

- دفاع از سکولاریسم و مدنیت و دولتها و قوانین سکولار در کشورهای اسلامزده و در کشورهای غربی و برسمیت شناسی حقوق مساوی همه شهروندان در همه کشورها مستقل از مذهب و ملیت و قومیت و نژاد آنها.

- نقد نظری و عقیدتی دین اسلام و دیگر مذاهب و دفاع از علم و آته نیسم در مقابل دیدگاههای مذهبی و نیمه مذهبی که نه تنها نیروهای اسلامی بلکه کلیه دولتها و رسانه های بورژوائی در غرب و در شرق اشاعه میدهند.

- اعمال فشار به دولتهای غربی و نهادهای بین المللی برای قطع رابطه سیاسی با دولتهای اسلامی و مشخصاً جمهوری اسلامی که ستون فقرات تروریسم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی در منطقه در جهان است.

- افشا و نقد ضرورت و ارزش مصرف نیروها و دولتهای اسلامی برای بورژوازی غرب و بورژوازی منطقه و نقد سوسیالیستی سرمایه داری بحرانزده عصر ما بر این مبنا. این پلاتفرمی برای مقابله موثر و عملی با جنبش اسلام سیاسی است. منظور از نقد و مقابله در مفاد فوق صرفا تبلیغ و ترویج نیست بلکه دامن زدن به یک گفتمان و فضای فکری چپ و سکولاریستی و ضد مذهبی و یک جنبش و تحرک

وقاحت هم حلی دارد!

از صفحه ۵

آنچه تا امروز به این توحش افسار زده و اجازه نداده است حکومت اسلامی جامعه را از هر چه نشانی از تمدن و انسانیت دارد پاک کند مقاومت و مبارزه هر روزه کارگران و زنان و جوانان و بخشهای مختلف مردم در برابر جانبدار حاکم

اجتماعی و شکستن پارادایم مذهبی - پست مدرنیستی غالب بر جوامع امروزی است.

عملی کردن این پلاتفرم قبل از هر چیز در گرو دخالتگری فعال سازمانهای متشکل کمونیستی و بخصوص نیروی چپ اجتماعی در غرب و در منطقه است. تنها سکولاریسم و دفاع از مدنیت و مدرنیسم و آته نیسم کافی نیست. بورژوازی از مدنیت و مدرنیسم عقب نشسته است اما جواب در بازگشت به جامعه مدنی انقلاب کبیر فرانسه نیست بلکه بقول مارکس در "فراتر رفتن از جامعه مدنی به جامعه انسانی" است. تنها جامعه سوسیالیستی میتواند به معنای دقیق و واقعی کلمه یک جامعه انسانی باشد. امروز بویژه به حکم شرایط عینی سیاسی - اقتصادی حاکم بر دنیا تنها از یک موضع چپ و سوسیالیستی میتوان به دفاع از تمدن انسانی برخاست. حزب ما همانطور که اشاره کردم در مقابله با اسلام سیاسی در غرب و در ایران تا کنون پیشرویهایی قابل ملاحظه ای داشته است و فعالانه این سیاست را بر مبنای پلاتفرم فوق ادامه خواهد داد.

در خاتمه این را هم باید تاکید کنم که نهائیتاً آنچه ضربه آخر را به اسلام سیاسی وارد میکند زیر کشیده شدن جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب است. جمهوری اسلامی ستون فقرات اسلام سیاسی است و سقوط آن کمر جنبش اسلامی را خواهد شکست. این تاکید دیگری است بر ضرورت بسیج و به حرکت در آوردن نیروهای چپ و مترقی و مردم به تنگ آمده از توحش و جنایات اسلامیستها در سطح جهانی علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از مبارزات مردم ایران.

بوده است. حقوق انسانی که مردم ایران خواهان آن هستند از منشور جهانی حقوق بشر بسیار فراتر میرود. مذهب زدائی از دولت و جامعه اولین پیش شرط تحقق حقوق انسانی و تامین آزادی و برابری و رفاه توده مردم در ایران و در همه کشورها است.

کارگران در هفته ای ...

از صفحه ۶

مورد بررسی قرار گیرد، برگزار نشد و ۷۰ نفر از کارگران به بهانه پایان قراردادشان از ۱۰ مرداد ماه از کار اخراج شدند.

قرار بود سیزدهم مرداد ماه جاری تعدادی از کارگران کشت و صنعت دیگر شهرهای ایران به اعتصاب هجده روزه کارگران کشت و صنعت مهاباد در اعتراض به تعویق پرداخت حقوقهایشان، پیوندند و با کارگران مهابادی همصدا شوند. اما هراس از وقوع چنین اتفاق مهمی و هراس از ادامه این حرکت اعتراضی و تبدیل آن به حرکتی سراسری در صنایع کشت و صنعت، باعث شد که کارفرما فریبکارانه وعده هایی دهد، تا به شکلی فضا را آرام کند. از جمله قرار شد که کارگران مرغداری با دریافت چک هایی از سوی سرمایه گذار جدید این مجتمع تا پایان نیمه اول سال ۹۶ مطالباتشان پرداخت شود. با این وعده ها کارگران موقتاً به اعتصاب خود خاتمه دادند. اما حلود دیست کارگر شاعغل در شرکت های چهارگانه سبز مهاباد

شامل کشت و صنعت مهاباد، مجتمع دامداری و صنعتی مهاباد، مجتمع هما مرغ مهاباد و سردخانه زمزم مهاباد تا ۱۴ ماه دستمزد خود را طلب دارند. کارگران نیز در تدارک از سرگیری اعتراضاتشان هستند. خواست کارگران پرداخت فوری طلبهایشان و بازگشت به کار کارگران اخراجی است.

وعده های شفاهی کارفرمایان، راهی برای عقب زدن مبارزه کارگران و تفرقه افکنی در اعتراضات آنان است. از همین روست که کارگران بارها اعلام کرده اند که وعده شفاهی کافی نیست و باوری به آن ندارند. باید وعده ها کتبی شود. رسماً از رسانه ها اعلام شود و اگر وعده پرداخت مزدشان است، فوراً چک های واریز شود.

از سرگیری تجمعات اعتراضی، همصدا شدن کارگران کشت و صنعت شهرهای دیگر و پیوستن به آنها، شرکت فعال خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی و پیگیری خواستههایشان و حفظ اتحاد کارگران از طریق برپایی منظم مجامع عمومی و تصمیم گیری های متحده شان برای تداوم مبارزات

خود، پاسخ عملی به توطئه گریهای کارفرماست.

در ادامه کمپین علیه امنیتیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض

کمپین علیه امنیتیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض و با خواست مشخص باطل شدن پرونده های قضایی تشکیل شده برای آنان مدتی است که جاری است و به جلو می رود. در جریان سابقه این کمپین هستید و میدانید که با بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده از رهبران شناخته شده کارگری و اسماعیل عبدی از رهبران معلمان معترض شروع شده و با حمایت وسیعی پاسخ گرفت. مساله اصلی برای ما امروز تداوم این کارزار بعنوان یک گام مهم در دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی های سیاسی پایه ای در جامعه و برای آزادی زندانیان سیاسی است. دیدیم که چگونه زیر فشار اجتماعی این کارزار جعفر عظیم زاده موقتاً از زندان آزاد شد. اما دوباره از سوی بازپرسی ساوه با پرونده ای دیگر و بازم با اتهاماتی امنیتیتی چون

اخلال در نظم و امنیت ملی به بازپرسی ساوه کشیده شد. بنا بر آخرین خبر پرونده جعفر عظیم زاده به شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ ساوه ارسال شده است» «محمدهلی جداری فروغی»، وکیل او در تماسی با سایت خبری دولتی ایلنا اعلام کرد که با توجه به مشخص شدن مرجع قضایی، جهت مطالعه پرونده و اطلاع از مفاد کیفرخواست صادره به همراه جعفر عظیم زاده به شعبه ۱۰۱ کیفری ۲ ساوه خواهد رفت. و اظهار امیدواری که با توجه به اینکه تنها علت این محاکمات مبارزه او برای حقوق برحق کارگران است، به زودی از تمام اتهامات تبرئه خواهد شد.

و علاوه بر جعفر عظیم زاده هم اکنون کارگران، معلمان و فعالین سیاسی بسیاری با اینگونه اتهامات پرونده دارند و تحت پیگرد و فشار دائمی قرار دارند و یا در زندانند.

محمد جراحی از دیگر چهره های شناخته شده کارگری که هم اکنون در زندان تبریز بسر میبرد، یکی از این صدها نمونه ایست که بخاطر مبارزاتش و بخاطر تلاش برای ایجاد تشکل کارگران ۵ سال و نیم حکم زندان گرفته است و تنها بیست روز از

این حکم باقی مانده است. بنا بر آخرین خبرهای منتشر شده وضعیت جسمانی محمد جراحی در زندان تبریز خوب نیست و در بررسی های پزشکی، علت این مسئله دادن داروهای اشتباهی که یک ماه پیش در زندان برای او ارسال شده، تشخیص داده شده است. دادن داروی اشتباه به محمد جراحی بخشی از بی توجهی به وضعیت زندانیان و رفتار جنایتکارانه حکومت اسلامی در زندانهاست. محروم کردن زندانیان سیاسی از دارو و درمان، آزار دائمی آنان و زیر شکنجه جسمی و روحی قرار دادنشان داستان تباهی و بعضاً مرگ خاموش زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم اسلامی است. باید به حمایت از محمد جراحی و همه زندانیان سیاسی شتافت.

حمایت از محمد جراحی، حمایت از جعفر عظیم زاده، حمایت از کارزار مهم لغو اتهامات امنیتیتی چون «اخلال در نظم و امنیت ملی» است. وسیعاً از بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده با اسماعیل عبدی و از کارزار برای لغو اتهامات امنیتیتی حمایت کنیم.



مسکن مناسب حق مسلم ماست کارگران شرکت واحد و خانواده های شان دست به تجمع زدند

طبق گزارش سندیکای شرکت واحد، از ساعت ۱۰ صبح امروز صدها نفر از کارگران واحد همراه با خانواده های خود در مقابل شهرداری تهران در خیابان بهشت دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان رفع فوری مشکل مسکن و در واقع تحویل مسکن های خود که ۷۰ درصد هزینه آنها از سالها قبل پرداخت کرده اند، شدند. کارگران در این تجمع پرشور که اعضای خانواده ها و از جمله فرزندان نوجوان شان نیز در آن حضور داشتند شعار دادند، بی توجهی به خواست های بحق خود را محکوم کردند و اعلام کردند تا زمانی که به خواست آنها رسیدگی نشود دست از اعتراض برنخواهند داشت. مدیریت شرکت واحد در حرکتی توطئه گرانه، ساعت کاری

امروز رانندگان را بالا برد تا رانندگان نتوانند به این تجمع اعتراضی پیوندند.

اعتصاب یادت نره» یکی از شعارهای کارگران بود که از این طریق اعتصابات باشکوه و قدرتمند خود در سالهای گذشته را به قالیباف و سایر مقامات شهرداری تهران یادآوری میکردند. «مسکن مناسب حق مسلم ماست»، «کارگران بیدارند از حق کثی بیزارند»، «قالیباف قالیباف امروز و فردا نکن مشکل ما را حل کن»، «کارگرا درد دارن مشکل مسکن دارن»، «خصوصی رورها کن فکری به حال ما کن «از دیگر شعارهای کارگران بود. سندیکای کارگران واحد در فراخوان خود خطاب به کارگران شرکت واحد اعلام کرده بود که تنها راه نجات از

مستاجری و خانه بدوشی و رسیدن به مطالبات بحق خود، اتحاد و پیگیری است. در این فراخوان گفته شده بود که کارگران از سال ۹۰ منتظر تحویل خانه هایی هستند که ۷۰ درصد مبلغ آنها پرداخت کرده اند اما شهرداری خانه ها را نیمه تمام گذاشته و کارگران مجبور به پرداخت اجاره بهای سنگینی هستند که مرتباً در حال افزایش است. کارگران هشدار داده بودند که دیگر پاسخگوی هزینه های بالای اجاره مسکن نیستند و تا حل نشدن مشکل مسکن دست از اعتراض و دادخواهی برنخواهند داشت و اگرچه زودتر نسبت به حل این معضل اقدام نشود عواقب آن به عهده مدیریت شرکت واحد و مسئولین تعاونی مسکن خواهد بود. خواست مسکن در کنار خواست

تحصیل رایگان، طب رایگان و افزایش حقوق بالاتر از خط فقر که از جانب معلمان و بسیاری از کارگران و بازنشستگان مطرح میشود روزیروز طیف های بیشتری را در بر میگیرد و به خواست های عمومی مردم تبدیل میشود. حضور خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی پدیده فوق العاده مهم و حیاتی و رو به رشدی است که باید به کلیه مبارزات کارگران و معلمان در سراسر کشور گسترش یابد. این یکی از کلیدی ترین راه های توده ای کردن و سراسری کردن مبارزات و فلج کردن حکومت در مقابل مردم است.

مسکن، تحصیل و طب سه معضل بزرگ کارگران و اکثریت مردم است که با توجه به حقوق های چند

بار زیر خط فقر فشار غیر قابل تحملی به اکثریت جامعه وارد میکند. و این در حالی است که حقوق های مدیران و مقامات دولتی و دزدی های میلیاردی حکومتیان و عوامل آنها سر به فلک میزند و موجب تشدید خشم و اعتراض عمومی مردم شده است.

از کارگران واحد و خواست بحق آنها باید قاطعانه حمایت کرد. بی مسکنی و اجاره های سنگین و حقوق های ناچیز میلیون ها نفر از مردم را به حاشیه های شهرها با کمترین امکانات رانده است. خواست تامین مسکن مناسب برای همه مردم و خواست های طب و تحصیل رایگان و افزایش حقوق بالای خط فقر را به پرچم مبارزات خود در سراسر

؟ از ما میپرسند: شما چرا با فدرالیسم مخالفید؟

حمید تقوایی پاسخ می دهد:

فدرالیسم در شرایط امروز یک امر و خواست کاملاً ارتجاعی است چون بجز عقبگرد از جوامع مدنی مبتنی بر حقوق شهروندی مساوی برای همگان به جوامع چند پارچه قومی - مذهبی - نژادی معنایی ندارد. این نوعی بازگشت به جوامع ماقبل سرمایه داری است. بورژوازی در بدو بقدرت رسیدنش در مقابله با جوامع ملوک الطوائفی قومی مذهبی در قرون وسطی جوامع مدنی و دولت - ملت را قرار داد. در آن دوره تشکیل جمهوری های فدرال (نظیر جامعه سوئیس و یا ایالات متحده و یا آلمان) گامی بجلو بود چون مردم منسوب به اقوام و مذاهب و نژادهای مختلف را در قالب یک کشور - ملت متحد میساخت و جوامع چند پارچه فئودالی را با جوامع مدنی جایگزین میکرد. در دوره ما فدرالیسم عکس این روند را نمایندگی میکند. یعنی عملاً به معنی تجزیه جوامع و کشورهای فی الحال شکل گرفته به جوامع چند پارچه قومی - نژادی است. از لحاظ نظری و فلسفه سیاسی - اجتماعی فدرالیسم امروز در نقد و تقابل با جوامع ملوک الطوائفی فئودالی ریشه ندارد، بلکه بر دیدگاه پست مدرنیستی جوامع موزائیکی متشکل از نژادها و قومیت ها و ملیتهای مختلف و برسمیت شناسی حقوق متفاوت برای بخشهای مختلف مبتنی است. این نوعی بازگشت به تعریف جامعه بر مبنای نژاد و ملیت و قومیت افراد است و ازینرو به معنی دقیق کلمه خواست و گرایش ارتجاعی است.

از نظر عملی - سیاسی شعار و خواست فدرالیسم در چند دهه اخیر بعد از فروپاشی شوروی و با

تجزیه برخی کشورهای اروپای شرقی (نمونه یوگسلاوی و چکسلواکی) و همچنین جدائی برخی از جمهوریهای سابق شوروی بر مبنای قومیت و نژاد (گرجستان و قرقیزستان و آذربایجان و ...) مطرح شد. این تجزیه کشورهای بلوک شوروی خود بازتاب نوعی بازگشت به هویت و تعصبات ملی - قومی - نژادی - مذهبی و بجلو رانده شدن جنبشها و جریانهای افراطی ناسیونالیستی و قومی و مذهبی در شرایط بعد از فروپاشی بلوک شوروی بود که در بخشهای دیگر دنیا و مشخصاً در آفریقا و خاورمیانه در شکل جنگهای خونین بین مذاهب و اقوام و نژادهای مختلف بروز پیدا میکرد. بعد از هجوم نظامی دولت آمریکا و متحدینش به افغانستان و عراق این نوع هویت تراشی قومی مذهبی برای جوامع و شکل گیری دولتها بر این مبنای در منطقه خاورمیانه رواج و توسعه یافت. حکومت افغانستان و لویا جرگه، حکومت عراق و حکومت اقلیمی در کردستان عراق نمونه های بارز چنین دولتهائی هستند.

فدرالیسم شکل ظاهراً متعادل تر و مسالمت آمیز تر همین گرایشات و جریانهای ارتجاعی است. از نقطه نظر هویت سازی قومی و مذهبی و نژادی و عقبگرد از جوامع مدرن مدنی به جوامعی بر مبنای این هویت تراشیها، بین فدرالیسم و تجزیه کشورهای بازمانده از بلوک شوروی سابق تفاوتی وجود ندارد. بجای کشورهای نژادی قومی نظیر چک و اسلاو و صربستان و قرقیزستان و غیره فدرالهای قومی - نژادی نشسته است اما پیامد فدرالیسم نیز چیزی بجز تشدید نفرت پراکنی و خصومت بین بخشهای مختلف جامعه

نخواهد بود.

تا آنجا که به ایران مربوط میشود شعار فدرالیسم از جانب نیروهای قومی و یا بقول خودشان "ملتهای تحت ستم" مطرح میشود. این نیروها معمولاً ادعا میکنند که منظورشان از فدرالیسم، فدرالیسم استانی است و نه قومی. اما منظور و نیت اینان هر چه باشد خواست و طرحشان در عمل از تقسیمبندی مردم منسوب به ملیتها و اقوام مختلف در قالب یک سیستم فدرالی فراتر نمیرود. نفس اینکه این خواست اساساً از جانب نیروهای ناسیونالیسم قومی در ایران مطرح میشود نشاندهنده آنست که این نیروها فدرالیسم را بعنوان راه حلی برای حل مساله ملی مطرح میکنند. این در واقع شکل شرمگینانه و تدافعی شعار

خودمختاری و برسمیت شناسی حقوق ویژه برای مردم منسوب به ملیتها و اقوام مختلف است. برخی از نیروهای ناسیونالیست فارس نیز از فدرالیسم دفاع میکنند تا بخیال خود جلوی تجزیه طلبی را بگیرند و از تمایز ارضی پاسداری نمایند. اما این "راه حل" همانطور که اشاره کردم عملاً نتیجه ای بجز تشدید تبعیضات و تفرقه و نفرت پراکنی قومی و ملی نخواهد داشت.

راه حل ستم و تبعیض ملی برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان مستقل از نژاد و ملیت و مذهب و قومیتی است که به آنها نسبت داده میشود. حتی در صورتیکه بخاطر قدمت و سابقه تاریخی ستم ملی به یک مساله سیاسی تبدیل شده باشد - نظیر مساله

جمهوری اسلامی دست به جنایت دیگری در زندان رجایی شهر زد

امروز ۱۲ مرداد جمهوری اسلامی دست به جنایت دیگری زد و تعدادی از زندانیان محبوس در زندان رجایی شهر منتسب به اهل سنت را اعدام کرد. جانپان اسلامی حتی اسامی و تعداد اعدام شدگان را اعلام نکرده اند.

روز ۱۱ مرداد ۳۶ زندانی منتسب به مذهب سنی که در بیدادگاههای حکومت اسلامی به اعدام محکوم شده بودند به سلولهای انفرادی تحت نظارت سپاه پاسداران منتقل شدند و سحرگاه امروز تعدادی از آنها بدون اینکه به خانواده های آنها امکان ملاقاتی داده شود، به چوبه دار آویخته شدند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اسامی تعدادی از اعدام شدگان را به این شرح اعلام کرده است: شهرام احمدی، شاهو ابراهیمی، بهمن رحیمی، مختار رحیمی و یاور رحیمی. تعدادی از اعدام شدگان از

جمله شهرام احمدی که چند سال قبل برادرش نیز اعدام شد، بشدت مورد شکنجه قرار گرفته اند. حزب کمونیست کارگری صمیمانه به بستگان این افراد تسلیت میگوید و با آنها ابراز همدردی میکند.

ماموران امنیتی و لباس شخصی های ماسک دار بهشت زهرا را محاصره کرده و به نزدیکان این زندانیان اجازه ندادند تا از نزدیک شاهد دفن عزیزان خود باشند. گفته میشود که بدنهای این جنایات جو زندان رجایی شهر متشنج شده و زندانیان دست به اعتراض زده اند و جمهوری اسلامی آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده است.

حزب کمونیست کارگری جنایت جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند و از همه مردم آزاده ایران و افکار عمومی انساندوست در سراسر جهان میخواهد این جنایت را محکوم کنند و به جمهوری اسلامی

کرد در ایران - راه حل فدرالیسم و دادن حقوق ویژه نیست. در این صورت نیز راه حل اصولی که میتواند مساله ملی و ستم ملی را به نفع توده مردم حل کند برسمیت شناسی رفتارندوم برای انتخاب بین جدائی و یا برخورداری از حقوق مساوی با بقیه شهروندان در ایران است. در هر حال ما در برابر فدرالیسم برخورداری از حقوق متساوی شهروندی برای همگان و در همه عرصه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را قرار میدهیم. تنها این راه حل میتواند به همزیستی مسالمت آمیز و متمدنانه مردم منتسب به اقوام و نژادها و ملیتها و مذاهب مختلف در چارچوب یک جامعه آزاد و برابر و مرفه منجر بشود.

فشار آورد که دست از اعدام بردارد و کلیه احکام اعدام را ملغی کند.

جمهوری اسلامی در حالیکه در بحران همه جانبه ای دست و پا میزند و تشنج در صفوفش بالا گرفته و از پاسخگویی به ساده ترین نیازهای مردم ناتوان است، تلاش میکند با اعدام و سرکوب مردم را مرعوب کند، با اعدام معتقدین به مذهب سنی جنگ شیعه سنی راه بیندازد و جلو گسترش مبارزات مردم را که از هر طرف سر بلند کرده است بگیرد. این تلاش خبیثانه را باید به شکست دیگری برای جمهوری اسلامی تبدیل کرد. جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد و از شر جنایات هر روزه و فقر و محرومیت و بیحقوقی که به اکثریت مردم تحمیل کرده است رها شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مرداد ۱۳۹۵، ۲ اوت ۲۰۱۶

کارگران ایران ترانسفو به اعتصاب و تظاهرات ادامه میدهند

جمهوری اسلامی به حربه اخراج و دستگیری متوسل شده است



در دهمین روز اعتصاب کارگران ایران ترانسفو، دیروز چهارشنبه ۱۳ مرداد، دو نفر از کارگران این کارخانه آقایان رحیمی و نعلبند زنجانی که سابق طولانی در این کارخانه دارند، بدستور مراجع قضایی حکومت بازداشت شدند که بعدا با وساطت برخی مقامات حکومتی و از ترس گسترش اعتراض کارگران آنها را پس از چند ساعت آزاد کردند. طبق گزارشات منتشر شده این دو نفر و مسئول کمپینی که کارگران برای جلب حمایت سازمان داده اند از کارخانه اخراج شده و حق شرکت در تجمع اعتراضی کارگران از آنها سلب شده است.

علاوه بر دستگیری و اخراج کارگران، یکی از ارگان های سرکوب حکومت، کانال تلگرامی که کارگران برای انتشار اخبار اعتراض خود سازمان داده بودند را از دست کارگران خارج کرده و در اولین اقدام خود دست به انتشار خبر جعلی پایان اعتصاب زده است، اما کارگران به اشکال مختلف و هرروزه فیلم و عکس و گزارش اعتراض خود را منعکس میکنند و همچنان بر اعتصاب و ادامه مبارزه خود پافشاری میکنند. امروز در دهمین روز

اعتصابی تشکیل بدهند، مردم را به حمایت تشویق کنند و اخبار و گزارشات این اعتراض بزرگ و شکوهمند را هرچه بیشتر منعکس کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ مرداد ۱۳۹۵، ۴ اوت ۲۰۱۶

اعتصاب ۴۰۰۰ کارگر ایران ترانسفو وارد دهمین روز خود شد

کارگران ابزارهای مهمی برای جلب همبستگی و تحکیم اتحاد خود دارند. برگزاری مجمع عمومی هر روزه برای تصمیم جمعی درمورد ادامه مبارزه و تشویق خانواده ها به شرکت در تحصن و برپایی چادر در مرکز شهر، شبیه تجربه موفقی که کارگران معدن سنگ آهن بافق در تابستان ۹۳ داشتند، از جمله اشکال مطلع کردن مردم شهر و جلب همبستگی آنها و خنثی کردن توطئه های مختلف علیه کارگران میباشد.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزه کارگران ایران ترانسفو و خواست های بحق آنها، مردم زنجان و مراکز کارگری در سراسر کشور را فرامیخواند به هر شکل که میتوانند با این کارگران اعلام همبستگی کنند. حزب خانواده های کارگران را فرامیخواند فعالانه به میدان بیایند و قدرت خود را به نمایش بگذارند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مرداد ۱۳۹۵، ۳ اوت ۲۰۱۶

این اعتصاب اعلام کرد که مبارزه را تا حصول نتیجه نهایی ادامه میدهم و چنانچه به خواست هایمان بی توجهی کنند روز شنبه ۱۶ مرداد اعتراض گسترده تری را شکل خواهیم داد. یکی دیگر از کارگران اعتصاب گفته است که سرویس ها را حذف کرده اند و متحصنین برای آمدن به شرکت با پای پیاده و با ماشین های شخصی و آژانس این مسیر را طی می کنند. درب توالی ها، سلف غذاخوری و سالن های مختلف کارخانه را نیز قفل کرده اند. علیرغم این فشارها و توطئه ها، کارگران به اعتصاب ادامه میدهند و تحصن و تجمع خود را در محوطه باز کارخانه و در محل پارکینگ ها برپا میکنند. یکی دیگر از کارگران میگوید خصوصی سازی ایران ترانسفو که یکی از بزرگترین شرکت های صنعت برق میباشد باعث شده تا میزان تولید ما در یکی دو سال گذشته به شدت افت کند و حتی به کمتر از ۲۰ درصد میزان قبلی برسد و این زنگ خطری برای حیات این مجموعه بزرگ است. میخوانند با نحوه تقسیم سهام و بازی های بورسی صاحب شرکتی با این سرمایه هزار میلیاردی شوند.

اعتصاب و تحصن ۴۰۰۰ کارگر ایران ترانسفو زنجان که از چهارم مرداد شروع شده همچنان ادامه دارد. روز پنجم مرداد کارگران در محوطه شرکت دست به راهپیمایی زدند و اتحاد و همبستگی خود را به نمایش گذاشتند. کارگران به کوچک سازی کارخانه که به معنی اخراج بسیاری از آنها است و شرایط کاری و کاهش مزایای شغلی خود اعتراض دارند.

شورای اسلامی و عوامل حکومتی سعی کردند با شعارهای انحرافی مثل ایران ترانسفو متعلق به زنجان است و الله اکبر و صلوات فضای اعتراض را منحرف کنند و تصویری عقب مانده از کارگران بدهند. کانال تلگرام کمپین در حمایت از اعتصاب کارگران را نیز از دست کارگران خارج کرده و بلافاصله خبر جعلی پایان اعتصاب را در این کانال منعکس کردند تا جلوی همبستگی با کارگران اعتصابی را بگیرند و اعتصابیون را متزلزل کنند. ۲۰۰۰ نفر از کارگران بلافاصله از این کانال خارج شدند و با انتشار خبر ادامه اعتصاب این توطئه را خنثی کردند و بر تحصن هزار نفره امروز خود تاکید کردند. یکی از کارگران به نمایندگی از

اسلام سیاسی و قوانین شریعه و تروریسم اسلامی به دل خیلی ما می نشست، چرا که اکنون در همه جا جنبش اسلامی مورد تنفر همگانی است، باید به فکر ایجاد یک جنبش گسترده در دفاع از سکولاریسم و مدرنیته در ترکیه و در همه جا بود. باید به مقابله متحدهانه تر با جنبش سرکوبگر اسلامی در هر لباس و اسمی پرداخت.

باید به مقابله متحدهانه تر با جنبش سرکوبگر ...

اسلامی رخ داده و اردوغان که بقول خودش کودتا را نعمت الهی میداند با استفاده از این کودتای نافرجام سعی میکند جامعه را به بند کشیده و حلقان اسلامی را بر آن جامعه مسلط کند، ترکیه سنت سکولاریستی و فرهنگ مقابله با این سیاستها را دارد و باید همه ما به یاری نیروها و جنبش هایی بشتابیم که علیه دخالت مذهب و اسلام سیاسی در مقررات مردم هستند. در کلن آلمان شعارهای ما علیه

از صفحه ۴
میدهد در استان نورد راین وستفالن که کلن هم در این استان هست و هزاران نفر در آنجا شعار دفاع از اعدام دادند، به دو حزب اسلامی طرفدار اردوغان و جمهوری اسلامی ایران ۵۰۰ هزار یورو پول داده اند که در مدارس این استان اسلام تدریس کنند. بهر حال اتفاقات در ترکیه طبعاً در اوضاع سیاسی متنوع در منطقه و کشاکش بین قطب های تروریستی و

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران را تکثیر و وسیعاً پخش کنید

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود